مرور

در حاشیه انتشار آثاری درباره شوان، وان کوک و پیکاسو
بی‌حوصلگی قرن ما

پیام حیدرقزوینی

امیل زولا در یکی از رمان‌هایش با عنوان «اثر» یا «شاهکار»، روایتی از یک نقاش به دست می‌دهد که تمام تلاشش این است که طبیعت را در ترش به چنگ آورد و هسته واقعی طبیعت را همان‌طور که هست در ترش بیافریند. نقاش در ثبت طبیعت در آثارش ناکام می‌ماند و در آخر دست به خودکشی می‌زند و خود و خانواده‌اش را نابود می‌کند. نقاش این رمان کسی نیست جز پل سزان؛ دوست دوران کودکی امیل زولا. زولا و سزان اگرچه از کودکی با هم دوست بودند اما بعدها هریک به راه خود رفتند و زولا نویسنده شد و سزان نقاش. زولا فکر می‌کرد که سزان نقاشی شکست‌خورده است و نقاشی را به وای برای گرفتن طبیعت و ثبت آن در آثارش جیزی جز شکست نیست. ازاین‌رو بود که رمان «شاهکار» یا «اثر» را نوشت که باعث رنجش سزان هم شد. شخصیت این رمان زولا در بافتن فرم مورد نظرش برای اثر آن موجود نیست. متن اصلی کتاب را می‌پذیرد. باید مدتی می‌گذشت تا دیگران دریابند که سزان در آثارش دست به خلق چیز جدیدی زده و او را به عنوان پدر کوبیسم می‌شناسند. اما تا پیش از آن به تمسخر می‌گفتند سزان درختی را بخل کرده و می‌خواهد آن را داخل نقاشی‌اش کند. سزان نمی‌خواست از پیسکیتو استفاده کند چرا که معتقد بود این شیوه‌ای قلابی است برای خالی که قصد داشت جمیعت درخت را در نقاشی‌اش تصویر کند. سزان تمام بیولوژی بیانی موجود را ناکافی می‌دانست و می‌خواست زبان یا فرم جدیدی پیدا کند.

سزان از بزرگ‌ترین نقاشان قرن نوزدهم به‌شمار می‌رود اما ایده‌ها و آرای او درباره هنر و نقاشی چندان در دست نیست و برای دریافتن نظراتش باید به نامه‌هایی که به دوستان نزدیکش نوشته رجوع کرد. سزان نامه‌نویسی شکفت‌آور بود و امروز بسیاری از نامه‌هایش باقی مانده اما او حتی در نامه‌هایش هم بیش از آنکه درباره هنر و نقاشی‌هایش حرف بزند درباره امور خانوادگی و مسائل کلی صحبت کرده است. یکی از کتاب‌های قابل‌توجهی که درباره سزان در ایران منتشر شده، «نزدیکی و هنر سزان» نوشته آمیوار ولار است که سال‌ها پیش با ترجمه آکبر معصوم‌بیگی منتشر شده بود و به‌تازگی نشر نگاه آن را به چاپ رسانده است. ولار تاجر آثار هنری و مجموعه‌دار و ناشر فرانسوی بود که اهمیت این نقاشی در نقاشی مدرن به دلیل حمایتی که از نقاشان نوآور کرده است. معصوم‌بیگی در

مدرسه ترجمه‌اش نوشته که بسیاری از نقاشان، «از امپرسیونیست‌ها گرفته تا پیکاسو و شاگال شهرت اموزی خود را مدیون کمک‌های بی‌دریغ ولارند. ولار سلیقه‌ای خاص و دیدی ایده‌نگر داشت و این حمایت‌ها را با علم به برخطر انداختن سرمایه، حرفه و شهرت خود انجام می‌داد». کتاب ولار شامل دو بخش است؛ بخش اول که به زندگی او مربوط است و بخشی دیگر که به هنر سزان پرداخته است. فصلی از بخش اول کتاب، به رابطه سزان و زولا مربوط است و ولار در این بخش به رنجش سزان از انتشار رمان «شاهکار» اشاره می‌کند. در بخش دوم، گزیده‌ای از نامه‌های سزان منتشر شده و همچنین تعدادی از نامه‌های زولا به سزان هم در این جا آمده است. یکی از نامه‌های زولا بسیار خواندنی است و زولا در آن به اوضاع زمانه‌شان اشاره کرده. در بخشی از این نامه به تاریخ ۲۵ نوژن ۱۸۶۰ سزان نامه‌اش را نوشته می‌گوید: «در آخرین نامه‌ات به نظرم نوشته آمدی؛ از هیچ‌جز جز چرت‌کردن قلم‌موهایت به طرف سقف اتاق حرفی نزده‌ای. از تنهایی و انزوایی که تو را فراگرفته است آه می‌کشی؛ یاک بی‌حوصله شده‌ای. فکر نمی‌کنی که این بی‌حوصلگی و ملال هول‌آور بیماری همه ما، طاعون قرن ما باشد؟ آیا باس و نومیدی یکی از نتایج این افسردگی نیست که دارد همه ما را خفه می‌کند؟»

به جز «زندگی و هنر سزان»، معصوم‌بیگی در سال‌های گذشته دو کتاب دیگر هم درباره وان‌گوک و پیکاسو ترجمه کرده بود که این دو کتاب نیز به‌تازگی در نشر نگاه بازچاپ شده‌اند. «زندگی و هنر وان‌گوک» نوشته پیر کابان یک از آن کتاب‌هاست. این کتاب نیز بیش از هرچیز بر پایه نامه‌های وان‌گوک نوشته شده و به این ترتیب در بخش‌های زیادی از کتاب دراوقع این خود وان‌گوک است که صحبت می‌کند. مترجم کتاب در بخشی از مقدمه‌اش درباره وان‌گوک نوشته: «با آن‌که ونسان وان‌گوک در سراسر عمر کوتاه و به‌ویژه در ده ساله پایسین زندگی خود سرنوشتی اندوهبار و تراژیک داشت و او جز عین ابزار تباخت شخصی بهره گرفت از هیچ‌ابزار حل‌وفای تراژیک (جز در یکی، دو مورد) در آثار او دیده نمی‌شود و پرداختن به